

جستاری در تاریخ و کارکردهای تشکیلات نظامی عهد اموی

مسعود بهرامیان¹، سید علی حسینی قمصری²

تاریخ دریافت: 1395/01/22
تاریخ پذیرش: 1395/03/25

از صفحه 23 تا 36

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تاریخ نظامی
سال سوم، شماره نهم، تابستان 1395

چکیده

با به قدرت رسیدن امویان سادگی و ساده‌زیستی سال‌های اولیه اسلام، کم‌کم از بین می‌رود و دمشق شاهد استقرار دربار باعظمتی است که ظرافت تشکیلات و تجملات آن از همان آغاز، نشان آشکاری از حکومتی سلطنتی به سبک شرقی دارد. چرایی و چگونگی تحول ساختار سپاه در این عصر مسئله پیش روی این تحقیق می‌باشد که به آن پرداخته شده است. شخصیت و پایگاه اجتماعی، سوق دادن اذهان مردم به سمت فتوحات و بتبع آن زاویه نگاه حاکمان اموی باعث شد آنان بیش از هر چیز به فکر فتوح و کشورگشایی باشند. شورش‌های مداوم داخلی و فتوحات و عقب‌نشینی‌های مکرر زمینی و دریایی باعث شد تا سپاه که نهاد آن به‌وسیله خلیفه دوم پی‌ریزی شده بود، به‌ویژه دست‌خوش تغییرات اساسی، شامل ایجاد یک سپاه آماده در خدمت حکومت، وارد شدن عناصر ایرانی و ترک در سپاه عصر اموی، استفاده از عصبیت قبیله‌ای در بسیج نیروها، انتخاب والیان از طبقه نظامیان به‌ویژه در دوره مروانی شد. این تغییرات به مقیاس بیشتر در ترکیب و در مقیاسی کمتر در تجهیزات آن صورت می‌گیرد، اما به‌طور کلی باید گفت که امویان به‌جای ایجاد سپاه حرفه‌ای و کارآموده، ملتی نظامی پیشه را سامان دادند و رهبری کردند.

کلید واژه‌ها

امویان، سپاه، فتوح، ادوات جنگی.

1- دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه پیام نور، bahramian62@gmail.com
2- کارشناس ارشد تاریخ اسلام، کتابدار کتابخانه قمصر Astali1359@yahoo.com

مقدمه

با شهادت حضرت علی (ع) قدرت به خاندانی منتقل گردید که بیشتر در پی حفظ و گسترش قدرت سیاسی و نظامی بود تا ادامه سنت‌هایی که پیامبر با زحمت فراوان آن‌ها را جاری نموده بود؛ که البته این وجهه نظامی مسبوق به سابقه تاریخی نیز بود؛ زیرا در دوره قبل از اسلام منصب پرچمداری¹ با امویان بوده است (زیدان، 1372: 16). در دوره جدید بازگشتی دوباره به سنت‌های قبل از اسلام انجام گرفت. قدرت نظامی، اقتصادی و فرهنگی اسلام در این دوره پایه‌ریزی می‌شود. امویان مؤسس یکی از قدرت‌های دوران می‌شوند و با خلافت آنان، اسلام به یکی از امپراتوری‌های بزرگ قدیم تبدیل می‌شود. امپراتوری اسلام علاوه بر شبه‌جزیره عربستان و کشورهای کنونی خاورمیانه، همچنین قسمت بزرگی از نیمه مدیترانه‌ای متصرفات رومی را شامل می‌شود. هنگامی که معاویه به حکومت می‌رسد، متصرفات ثابت یا لاقط حملات سپاه عرب به قدیمی‌ترین سرزمین‌های تاریخ باستان از جمله گدروسیا²، رخج³ و بلخ در مشرق، قفقاز و ارمنستان در شمال، نوبه⁴ در جنوب و در غرب به آفریقای تحت سیطره روم یا تونس فعلی نزدیک می‌شود. از این به بعد است که امویان بیشتر درصدد تحکیم متصرفات خود هستند؛ در سرزمین‌هایی که فقط مورد تاخت‌وتاز و غارت قرار گرفته بودند، اردوگاه می‌زنند و شهرهایی تأسیس می‌کنند. بعدازاین تثبیت حرکت تازه‌ای آغاز می‌شود؛ رودخانه‌های سند و آمودریا یا جیحون در شرق امپراتوری اسلام به تصرف درمی‌آید و ایالات سند و ماوراءالنهر تأسیس می‌گردد. در غرب نیز با استفاده از اختلافات حاکم بر اسپانیای تحت حاکمیت گت‌ها⁵، یک قشون شش‌هزار نفری تحت فرماندهی طارق بن زیاد از تنگه‌ای که نام این فاتح را به خود می‌گیرد و جبل الطارق نامیده می‌شود، می‌گذرد. سپاه ردریک⁶ شاه در سال 711/92 م در ریو-بربط (Rio-Barbate) منهدم می‌گردد (میکل، 1381، ج 1: 109). صف مهاجمان عرب با افراد آماده به خدمت جدیدی که به‌وسیله فرمانروای

1- یکی از منصب‌های مهم در بین اعراب، منصب پرچمداری بوده است که در جنگ‌ها بسیار بدان افتخار می‌کردند؛ چراکه پرچم نشانی از همبستگی در عمل و اتحاد در شعار بوده؛ به‌گونه‌ای که هرگاه پرچم از دست پرچمدار می‌افتاده، نوعی شکست و ازهم‌گسیختگی برای لشکر محسوب می‌شده است. اعراب جاهلیت در جنگ‌ها، آن را به دست یکی از سران سپاه می‌دادند.

2- Gedrosie
3- Arachosie
4- Nubie
5- Wisigothique
6- Roderic

طارق بن زیاد یعنی موسی بن نصیر به جنگ اعزام می‌شوند، افزایش می‌یابد و تمام مرزهای شبه‌جزیره ایبری بر روی این مهاجمان گشوده می‌شود. باز هم حرکت تهاجمی دیگری از طریق ماوراءالنهر و اسپانیا انجام می‌شود. اسلام با پیروزی بر چینی‌ها در کناره‌های رودخانه تالاس (Talas) در سال 751/133، حاکمیت خویش را بر جاده‌های قدیمی که از جلگه زارهای آسیای مرکزی می‌گذشت برقرار می‌سازد. بدین ترتیب مسلمانان فاتح، در منطقه وسیعی که از آتلانتیک تا هند و از دریای آرال تا صحرای آفریقا را شامل می‌شود، مستقر می‌گردند.

این پیشروی‌ها هم بر روی خشکی و هم بر روی دریا انجام گرفته و مسلم است که در طول یک قرن که امویان حکومت کرده‌اند، فتوحات آن‌ها با پشتوانه یک نیروی نظامی صورت گرفته است. علاوه بر این شورش‌ها و قیام‌های داخلی بسیاری را در این دوره شاهد هستیم که به وسیله همین نیروی نظامی به شدت سرکوب می‌شوند. سؤالی که در این تحقیق درصدد جواب آن برآمده‌ایم این است که کدام عامل باعث شده تا امویان در دوران فرمانروایی، در فتح سرزمین‌های تازه و همچنین تثبیت قلمرو خود، عملکرد موفقی داشته باشند. در جواب این سؤال، تلاش شده تا ساختار نیروی نظامی امویان به‌عنوان موتور محرک در گسترش قلمرو جغرافیایی اسلام و سرکوبی قیام‌های داخلی، مورد بررسی قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

در مورد تشکیلات نظامی در عصر امویان تاکنون مقاله یا کتابی به‌صورت مستقل تألیف نشده است و به‌صورت پیرامونی و کوتاه در بعضی مقالات یا کتاب‌ها بدان پرداخته شده است. به‌عنوان نمونه کتاب «تاریخ تشکیلات در اسلام» نوشته محمدرضا شهیدی پاک و کتاب «تمدن اسلامی در عصر امویان» نوشته محمدکاظم مکی که در این کتاب‌ها خیلی مختصر و کوتاه به تشکیلات نظامی امویان اشاره شده است.

1. ماهیت سپاه

اهمیت سپاه برای دستگاه خلافت در همه دوره‌ها مطرح بوده است. این امر خصوصاً به خاطر کشورگشایی‌هایی بود که زیر نام گسترش اسلام انجام می‌دادند. چنان‌که تقریباً از ابتدای دوران اسلامی، در عهد خلیفه دوم برای رسیدگی به امور سپاهیان دیوانی

تشکیل گردید که هرچند در آن دوره نام معینی نداشت، اما بعدها با گسترش فتوحات در دوران امویان، با عنوان دیوان جیش یا دیوان جند دچار تحولات عمده‌ای گردید (سپهری، 1389: 318). این دیوان از دو مجلس، یکی مجلس تقدیر و دیگری مجلس مقابله تشکیل می‌شد. اولی وظیفه ارزیابی وضعیت سپاه، تعیین میزان حقوق کارکنان نظامی و پرداخت به‌موقع آن و دومی وظیفه بازرسی و بررسی اسناد و ثبت اسامی سپاهیان و وضعیت انبارهای خواربار و علوفه و رسیدگی به نامه‌ها را بر عهده داشت (میر احمدی، 1368: 50).

بورلو اعتقاد دارد نیروی نظامی در دوره اموی مانند دوران خلفای راشدین از افراد عرب تباری تشکیل می‌یافت که به‌صورت داوطلب به کار گمارده می‌شدند و هر یک از قبایل باید عده مشخصی را برای این منظور فراهم می‌کردند (بورلو، 1386: 62). در این مطلب بورلو تناقضی دیده می‌شود. اگر عضویت در سپاه به‌صورت داوطلبی بود با این مطلب که قبائل «باید» عده مشخصی را برای سپاه می‌فرستادند همخوانی ندارد. در میان قشون، تمایزی بین افراد قبایل مختلف وجود نداشت، اما در دسته‌های کوچک افراد برحسب قبیله‌شان دسته‌بندی می‌شدند. سوریه و مغرب به منطقه (جند) تقسیم‌شده بود و این تقسیم‌بندی بر اساس تقسیم‌بندی‌های قدیمی بیزانس صورت گرفته بود. حقوقی که سربازان دریافت می‌کردند از محل اخذ مالیات از مناطق مختلف تأمین می‌شد (بورلو، 1386: 62). یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در واکنش به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی دوره مروانی چهره بست، شکل‌گیری یک سپاه در خدمت حکومت بود که برخلاف ارتش سفیانی از توده قبایل عرب سربازگیری نمی‌کرد. از این‌رو در دوره مروانی برای نخستین بار به سربازان شامی برمی‌خوریم که برای برقراری نظم و شرکت در جنگ‌ها به ولایت‌ها اعزام می‌شدند (هاوتینگ، 1388: 77). بدیهی است که در ولایت‌ها شمار عرب‌هایی که به ارتش می‌پیوستند از این زمان رو به کاستی رفت و بیشتر برای گذران زندگی به شغل‌های غیرنظامی روی می‌آوردند. درعین‌حال این بار والیان غالباً از طبقه نظامیان و تربیت شده نظام بودند (پیشین: 78) و برخلاف والیان دوره سفیانی به پایگاه قبیله‌ای و رابطه با خلیفه متکی نبودند. گرایش به‌گزینش والیان از میان نظامیان از این زمان آغاز شد. درواقع خود حجاج گرچه ثقفی

بود اما از چهره‌هایی بود با خاستگاه نسبتاً فروتر که تنها از طریق خدمت در ارتش توانست به مسند قدرت پا گذارد (پیشین: 78).

نیرویی که در دمشق نگهداری می‌شد غالباً از بومیان و عرب‌های شام بودند. بیشتر سپاه که در ولایت‌های شرقی مستقر بود از بصره یا کوفه بودند. در دوره سفیانیان شماره سپاه موجود 60000 نفر شد که هر ساله 60000000 درهم خرج داشتند. یزید سوم (127 ق) از مقرری سالانه کاست و به این سبب ناقص لقب گرفت (فیلیپ حتی، 1380: 292). سپاه در این دوره از عناصر نژادی مختلفی تشکیل شده بود که از میان آن‌ها عناصر عرب، ایرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند. در این دوره حساسیت ویژه‌ای در استفاده از نیروی عرب در سپاه بود. در میان عناصر مختلف سپاه اموی سه عنصر عرب، ترک و ایرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بودند. معاویه در عصر خلافت خویش نه تنها بر عنصر عرب تکیه فراوانی داشت بلکه می‌کوشید اعراب ناراضی یعنی یمانیان را با زور، تطمیع و طرق دیگر در سازمان نظامی سپاه خود وارد سازد (قائدان، 1381: 139). او از آنان گروه و یگان هزارنفری ایجاد کرد و با سران آنان به مشورت پرداخت. گروه یمانی از این توجه مغرور گشته و با رقیب خود یعنی مضرها که خاندان بنی‌امیه جزو آن بودند به مناقشه و تعارض پرداختند (پیشین، 1381: 139). معاویه یک هنگ هزارنفری از یمنی‌ها تشکیل داده بود و آن‌ها را به خود نزدیک و حقوق بیشتری به آن‌ها می‌پرداخت بعد از مدتی بین آن‌ها با مضرها درگیری به وجود آمد و در نتیجه هنگ دیگری از شمالی‌ها به نام قیسی‌ها شکل داد. یمنی‌ها را به جنگ دریایی و قیسی‌ها را به نبرد صحرائی می‌فرستاد (زیدان، 1373: 132). این عناصر به محض نیاز حکومت به انجام جهاد و انتشار اسلام یا سرکوبی شورش‌های داخلی، دو دسته داوطلب (مطوعه) و مرتزقه (موظف) وارد عمل می‌شدند و پس از پایان یافتن درگیری جنگجویان عرب به شهرهای خود بازمی‌گشتند (قائدان، 1381: 140). نقش قبایل عرب در سرکوبی بحران‌های داخلی و نهضت‌های علویان بسیار برجسته بود. امویان پس از شکست در سیاست سلطه بر قبایل عرب از دوره عبدالملک تا پایان دوره هشام می‌کوشیدند تا سپاه عربی مجهز و سازمان‌یافته‌ای به منظور مقابله با شورش‌ها و قیام‌های داخلی پدید آورند که با این ارتش توانستند شورش‌های قبایل را فروشانند (پیشین، 1381: 140). امویان از انگیزه‌های سیاسی قبایل برای تقویت سپاه بهره می‌بردند. بدین گونه که از شامی‌ها

برای سرکوبی قبایل عرب عراق و ایرانیان سود می‌بردند و حتی دیری نپایید عراقی‌ها را از این سپاه پاک‌سازی کردند و تنها به عنصر شامی تکیه کردند. نیروهای عمده امویان در شرق بیشتر عرب بودند. به دنبال ظلم و ستم و اجحافات اعراب در خراسان در عصر عبدالملک و حجاج، سلیمان بن عبدالملک بیشتر وقت خود را صرف ترمیم خرابکاری اعراب نمود و ایرانیان را در سپاه استخدام کرد (خطیب، 1378: 24). او با این کار درصدد بود از یکه‌تازی اعراب ممانعت به عمل آورد و نوعی موازنه ایجاد کند. این در حقیقت نخستین بار بود که ایرانیان در سپاه امویان وارد شدند که در نوع خود بدعتی نظامی بود. سلیمان نه تنها به قبایل یمنی روی آورد بلکه قیسیان و فرماندهان عرب آنان را برکنار کرد (خطیب، 1378: 24).

در منابع از ایرانیان حاضر در سپاه با عنوان حمراء یاد شده است (طبری، 1996: 3/512). حمراء در عصر فتوح به‌طور چشم‌گیری در فتوحات امویان حضور داشتند؛ البته به‌عنوان معارضان خلافت زیرا امویان همواره آنان را به دیده تحقیر می‌نگریستند. همین عامل باعث شد تا آنان برای ایفای حق خود در تحرکات و آشوب‌های آن عصر حضور فعال داشته باشند. در لشکر مختار حدود بیست هزار نفر از آنان حضور داشتند (مسعودی، 1346: 204/2). از عنصر ترک برای نخستین بار در زمان معاویه استفاده شد. آن هنگامی بود که سعید بن عثمان والی خراسان از طرف معاویه اولین بار از ترکان در امر فتوحات استفاده کرد. او بعضی از ترکان و ساکنان سرزمین ماوراءالنهر را بعد از فتح سمرقند وارد سپاه عرب کرد (سیوطی، بی تا: 188). قتیبه بن مسلم باهلی بعد از شکست نیزک خان تعدادی از آنان را وارد سپاه کرد. در دوره عبدالملک نیز از ترکان در سرکوبی شورش‌ها استفاده شد. از جمله در سرکوبی کسانی مانند حارت بن عبدالرحمن سعید دمشقی که در بیت‌المقدس ادعای پیامبری کرد (ابن کثیر، 1996: 27/9).

اعراب قرن‌ها قبل از ظهور اسلام با دریا و کشتی آشنایی داشتند. تجارت اقوام عرب جنوبی با تمدن‌های آن زمان گویای این واقعیت است. به علت آشنایی اعراب جزیره العرب با دریا و کشتی در قرآن کریم سی‌وهشت بار از بحر، بحیره و بحرین و چهار بار نیز از کشتی یا سفینه نام برده شده است (اسرا/66-67؛ عنکبوت/15). معاویه در سال 674-680 م از یک پایگاه دریایی در مرمه، یورش‌هایی بر ضد قسطنطنیه صورت داد (هاوتینگ، 1388: 58). قیروان در آفریقای شمالی در سال 670 م تبدیل به پایگاهی عسکری برای نفوذ هر چه

بیشتر عرب‌ها شد (پیشین: 58). کارخانه‌های کشتی‌سازی که مقارن فتوح در عکا به دست آمد برای ساختن بحریه مسلمین به کار رفت که از حیث تاریخ نسبت به بحریه مصر مقام دوم را داشت. این امر معاویه را امیرالبحر قدیم اسلام کرد. معاویه هنگامی که هنوز والی بود (650 م) کشتی‌های جنگی خود را فرستاد تا با بحریه مصر برای از بین بردن نیروی دریایی بیزانس تحت حکومت کنستانتیوس دوم (Constans II) به اولین پیروزی دریایی در اسلام توفیق یافتند (فیلیپ حتی، 1382: 236).

2. آرایش سپاه

2-1. نیروی زمینی

نیروی زمینی به دودسته پیاده‌نظام و سواره‌نظام تقسیم می‌شد. سواره‌نظام که وسیله نقلیه آنان شتر و اسب بود در تقسیم غنائم، سه سهم و پیاده‌نظام فقط یک سهم می‌بردند (سپهری، 1389: 318). این سپاه به دلیل هم‌جواری با امپراتوری بیزانس به تبع دیگر نهادها که از این امپراتوری نسخه‌برداری کرده بود؛ نوعاً سازمان رومی داشت و هر واحد به پنج قسمت یعنی قلب و دو جناح و مقدمه و موخره تقسیم می‌شد و نظم صفاها به صورت قدیم بود (فیلیپ حتی، 1380، 291). لشکریان را به گروه‌هایی تقسیم می‌کردند و دسته‌هایی را که از یک ناحیه بودند و همدیگر را می‌شناختند در یک گروه قرار می‌دادند و آن‌ها را در جهات چهارگانه منظم و مرتب می‌کردند و فرمانده کل سپاه در قلب سپاه جای می‌گرفت. این ترتیب را تعبیه می‌گفتند (سپهری، 1389: 319). در پیشاپیش سپاه، فرماندهی کل، لشکر مستقل و منظمی ترتیب می‌دادند که دارای سردار و رایت و شعار مخصوص به خود بود. این را مقدمه می‌گفتند. در سمت چپ او لشکری به نام میسره قرار می‌گرفت و در سمت راست وی میمنه. لشکر چهارم در دنبال سپاه جای داشت که ساقه نامیده می‌شد. فرمانده لشکر و همراهان وی در مرکز این چهار لشکر جای می‌گرفتند و جای او را قلب می‌خواندند (سپهری، 1389: 319). این سازمان تا دوران مروان دوم معمول بود و او تقسیم قدیم را رها کرد و شیوه واحدهای کوچک و پیوسته را که گردوس - گروه مشتمل بر 500 تا 600 نفره - می‌نامیدند، اعمال کرد (زیدان، 1372: 153).

2-2. نیروی دریایی

معاویه تلاش فراوانی برای اخذ اجازه دریانوردی از خلیفه دوم کرد ولی هرگز نتوانست موافقت او را جلب کند (سپهری، 1389: 320). او سرانجام موفق شد در دوره عثمان نیروی دریایی ایجاد کند، مشروط بر آنکه همسرش را با خود ببرد. او از همین فرصت استفاده کرد و قبرس را در سال 29 ق فتح کرد (بلاذری، 1337: 221). نخستین کارخانه کشتی‌سازی را معاویه در اردن و عکا راه‌اندازی کرد. این کارخانه همچنان پابرجا بود تا اینکه بنی مروان آن را به صور منتقل کردند (همان: 170). عبدالملک بن مروان به حسان بن نعمان عامل افریقیه دستور داد که در تونس کارخانه‌ای مخصوص ساخت ابزار و آلات دریانوردی تأسیس کرد و به سیسیل فرستاد (ابن خلدون، 1375: 1/ 484). حسن ابراهیم حسن می‌نویسد عرب‌ها در صدر اسلام از فنون دریانوردی اطلاعی نداشتند (حسن ابراهیم حسن، 1380: 462) اما با توجه به آیات قرآنی که در آن از دریا و کشتی سخن به میان آمده است و همچنین تبادلات بازرگانی دریایی که اعراب جنوبی با تمدن‌های هم‌جوار آن زمان داشتند این سخن ابراهیم حسن مورد تردید می‌باشد. نیروی دریایی در زمان معاویه تأسیس شد. به روزگار وی عقبه بن عامر جزیره رودس را گشود به سال (54 ق) در ایام حکومت مسلم بن مخلد رومیان به برلس حمله بردند و گروه بسیاری از مسلمانان را که وردان آزاد شده عمرو بن عاص سردارشان بود بکشتند (حسن ابراهیم حسن، 1380: 462). از این رو فرمانروایان مصر به ساخت کشتی پرداختند. نخستین بار در سال 54 ق در جزیره روضه محلی برای ساختمان کشتی‌ها تخصیص داده شد. ناوگان عرب نیز مانند ناوگان روم بود. واحد جنگی یک کشتی بود که به هر طرف از سطح زیرین دست‌کم 25 جایگاه داشت که به هر جایگاه دو تن می‌نشست. صد کس یا بیشتر که در هر کشتی پارو می‌زدند مسلح نیز بودند (حتی، 1380: 292).

3. ادوات جنگی

سلاح‌های جنگی امویان عبارت بود از تیر و کمان، شمشیر، نیزه، سپر، زره، منجنیق، دبابه (شبه تانک) قوچ جنگی، آتش یونانی و تجهیزات جنگی کشتی‌ها عبارت از عراره (منجنیق)، زره، سپر بزرگ، سپر کوچک، کلاه‌خود، نیزه و قلاب بود. سواران زین‌های ساده گرد داشتند که با زین‌های رومی شباهت نزدیک داشت. ابزار سنگین جنگ عراده

و منجنیق و دبابه یا قوچ بود (حتی، 1380: 291). سواران زره بر تن می‌کردند و خودهای آهنین به سر می‌نهادند و آن را با پر می‌آراستند. پیادگان قباهای کوتاه به تن می‌کردند که از زانو می‌گذشت، شلوار و کفش نیز داشتند. زنان نیز به همراه سپاه بودند و در شهرها وارد و گاه محلی خاص آن‌ها بود (حسن ابراهیم حسن، 1380: 461). فرماندهان به حسن رفتار سپاهیان توجهی خاص داشتند و هر کس مرتکب بی‌نظمی می‌شد یا با مردم بدرفتاری می‌کرد به‌سختی مجازات می‌شد. مراقبت سپاه آسان بود از آن‌رو که می‌گساری نمی‌کردند. اگر افراد سپاه از خانه و کسان خود دور بودند بیش از چهار ماه در لشکرگاه نمی‌ماندند (پیشین، 1380: 461). در ادامه ما فقط به توضیح دو مورد از ادوات نظامی یعنی منجنیق و دبابه می‌پردازیم و توضیح در مورد ادوات دیگر را ارجاع به کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده است می‌دهیم.

3-1. منجنیق

منجنیق، به منزله سنگین‌ترین سلاح جنگی، در قرون میانه اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار بود. از این سلاح برای کوبیدن دیوارهای دفاعی و نفوذ به داخل شهرها استفاده می‌شد. در نخستین فتوحات اسلامی، منجنیق شکل ساده‌ای داشت؛ اما با گذشت زمان و به‌موازات تکامل و افزایش استحکام حصارهای دفاعی شهرها، منجنیق‌ها نیز روزبه‌روز تغییر کردند و تکامل یافتند؛ تا آنجا که در دوره اموی منجنیق‌های نفت‌انداز و آتشین ساخته شدند. به‌طور کلی، کارآمدی منجنیق در فتوحات اسلامی به‌جایی رسید که به سلاحی مهم برای مسلمانان تبدیل شد و قوای مسلمانان به‌هیچ‌وجه خود را از آن بی‌نیاز نمی‌دید؛ این سلاح اساسی‌ترین ابزاری بود که مسلمانان در جریان محاصره شهرها و قلعه‌ها از آن بهره می‌بردند و به‌وسیله آن شهرها و قلعه‌ها را فتح می‌کردند. اهمیت کاربرد منجنیق در نبردها امویان را واداشت که به ساخت نوعی منجنیق بسیار بزرگ اهتمام ورزند؛ فناوران اموی این جنگ‌افزار را با بزرگ کردن اهرم‌ها و افزایش آلات به‌کاررفته در آن ساختند (هندی، 2004: 195). حجاج بن یوسف اولین کسی بود که در این دوره از منجنیق استفاده کرد. او به هنگام محاصره ابن زبیر در مکه، منجنیق را در بالای کوه ابوقبیس نصب کرد تا به کوبیدن مسجدالحرام (پناهگاه ابن زبیر) پردازد (مسعودی، 1346 ق، 3/ 71-72). مسلم بن عبدالملک در چند نبرد از منجنیق استفاده کرد؛ از جمله هنگامی که به فرمان برادر

خود به ولایت جزیره ارمینیه گماشته شد و با مردم آنجا به نبرد پرداخت، برای فتح شهر ارمینیه از منجنیق بهره گرفت (ابن اثیر، 1965، 4/ 554). او همچنین در محاصره شهر «طرنده» نیز از منجنیق سود جست (عبد الرؤوف، 2007: 71).

در این عصر پرتابه‌های منجنیق، افزون بر سنگ، افکندنی‌های آتشی مانند آتشدان، چوب‌های مشتعل و گلوله‌های آتشین را نیز شامل می‌شد. مسلمانان از دوران معاویه، در جنگ با رومیان، کاربرد نظامی و تخریبی آتش را فراگرفتند. کشتی‌های مسلمانان به فرماندهی «بسر بن ابی أرتاط» از تنگه «داردائل» گذشته و قسطنطنیه را به محاصره درآورده بودند. رومیان برای مقابله از آتش یونانی استفاده کردند (The Encyclopedia of Military History, 1970: 200). کسی جز آنان از رمز و راز ترکیب این آتش خبر نداشت. آتش و مواد آتش‌زا چون باران به روی ناوگان جنگی مسلمانان فرومی‌ریخت و آن را به آتش می‌کشید. حجم شعله‌ها چنان بود که مسلمانان حتی به وسیله آب هم قادر به خاموش کردنش نبودند؛ در نتیجه زمین‌گیر و مجبور به عقب‌نشینی شدند (بستانی، 1987: 44-41). از آن زمان مسلمانان هم کوشیدند تا از چنین ابزاری بهره‌مند شوند. استفاده مسلمانان از آتش در جنگ، چند سال بعد، در دوران خلافت یزید آغاز شد؛ نخستین بار حصین بن نمیر، فرمانده سپاه یزید، در محاصره مکه، برای سرکوبی قیام عبدالله بن زبیر این ابزار را به کار گرفت. حصین منجنیق‌ها و عراده‌ها را بر فراز کوه‌های اطراف مسجدالحرام، پناهگاه ابن زبیر، مستقر ساخت؛ نیروهای حصین سنگ، آتش، نفت و بسته‌های کتان آغشته به نفت و دیگر مواد آتش‌زا را، به وسیله منجنیق، به سوی کعبه پرتاب کردند و بخشی از آن را سوزاندند (مسعودی، 1978، 3: 75). نمونه‌ای از کاربرد منجنیق با پرتابه‌های آتشین محاصره قلعه «فاریاب» به دست قتیبه بن مسلم است. به نقل متون تاریخی، قتیبه با پرتابه‌های آتشین قلعه را هدف گرفت و آن را به آتش کشید. این واقعه از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ تا آنجا که پس‌از این جریان منجنیق و این نوع پرتابه‌ها را «المحترقه» نامیدند (ابن اثیر، 1965: 553/4). محاصره شهر جرجان در 98 ق، به دست یزید بن مهلب نیز از جمله نبردهایی است که در آن از منجنیق برای پرتاب نفت و مواد آتش‌زا استفاده شد. او پس از به محاصره درآوردن شهر، با استفاده از پرتابه‌های آتشین، آن را به آتش کشید (ابن اعثم کوفی، 1974: 7 / 296). حصین

بن نمیر در محاصره مکه دستور داد بر فراز کوه ابوقبیس منجنیق‌هایی نصب کنند و از آنجا به مردم داخل مسجد سنگ پرتاب کنند (اخبار الطوال، 1371: 313).

یکی دیگر از وسایلی که در آن دوره مورد استفاده بوده، دبابه نام داشته است. دبابه در لغت عرب معاصر به تانک و زره‌پوش اطلاق می‌شود. لکن در گذشته وسیله‌ای بوده است که در جنگ قلعه‌ای بکار می‌رفته‌است. آن را پای قلعه قرار می‌دادند و افرادی که درون آن قرار داشتند حصار را سوراخ می‌کردند (بلاذری، 1337: 83).

مهارت عرب‌ها در تیراندازی بیش از حد تصور بود تا آنجا که تیرانداز عرب یکی از چشم‌های آهو را تعیین می‌کرد و همان چشم را با تیر می‌زد (حسن ابراهیم حسن، 1380: 460). تیراندازان در سپاه عرب مهم‌ترین گروه‌های پیاده بودند. پیادگان در صف‌های مرتب می‌ایستادند و نیزه‌داران جلوی آن‌ها بودند تا از هجوم سواران دشمن جلوگیری کنند. پهلوی سپاه معمولاً از سواران تشکیل می‌شد (پیشین، 1380: 461). تفوق سپاه عرب بر دشمنان در میدان جنگ از آن‌رو بود که آنان سبک‌بار بودند و در رنج و سختی، صبر و ثبات داشتند.

4. کارکرد سپاه

یکی از لوازم و ارکان حیاتی هر جنگ، تأمین نیرو و بسیج نیروی انسانی است که از دیرباز مورد توجه همه جوامع بوده است. بدیهی است هر یک از جوامع برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی، تأمین امنیت و گاهی برای گسترش و توسعه نظامی و سیاسی خود نیازمند تأمین نیروهای لازم است (قائدان، 1382: 1). در عصر اموی به دلیل توسعه فتوحات و گسترش سرزمین‌های اسلامی و وارد شدن اقوام و ملل مختلف در قالب اهل ذمه یا نومسلمانان تجهیز سپاه بر پایه نیروهای مطوعه دیگر جوابگوی لازم برای این امر را نمی‌داد، در نتیجه حکام اموی سیاستی را اتخاذ نمود که علاوه بر نیروهای داوطلب سپاه آماده‌به‌خدمت و ثابتی را نیز تشکیل داده تا با آن از یک‌سو با تهدیدات داخلی و خارجی به‌عنوان مثال مقابله با خوارج در عراق و ایران، فتنه آل زبیر در حجاز و عراق، قیام‌های هاشمیان، ابن اشعث، حارث بن سریج و ... تأمین امنیت و از سوی دیگر سرزمین‌های جهان آن روز را به زیر سیطره خود درآورند.

نتیجه‌گیری

اندیشه حکام اموی و عمل‌گرایی آن‌ها در فتوحات زمینی و دریایی نتایج و اثرات متنوعی داشت. تاخت‌وتازهای مکرر دریایی امویان تداومی ندارد و اشغال جزیره‌ها ناپایدار می‌ماند؛ اما ره‌آوردی قابل‌قبول دارد زیرا دریانوردی اسلامی که با این‌رو در رویی‌ها خو گرفته بود، در درازمدت سرمایه‌ای از تجربه به دست آورد که درگیری‌هایش را به‌خوبی جبران نمود و هر چه بیشتر به‌طرف غرب پیش می‌رفت، تلاش‌هایش موفقیت‌آمیزتر می‌شد. آن‌ها علاوه بر دریا توانستند موفقیت دوچندانی در توسعه و گسترش مرزهای زمینی حکومت اسلام کسب کنند. در واقع امویان عاملانی بودند که بستری مناسب فراهم کردند، اما نتوانستند خود بهره لازم را از آن ببرند و این عباسیان بودند که بر قلمرو تثبیت‌شده اسلام حکومت راندند. فتوحات امویان در سایه سیاست‌های نظامی و استعمال ادوات جنگی که خلفا و حکام اموی آن را اتخاذ نمودند قلمرو اسلام را گسترش داد، اما با نابسامانی‌هایی نیز همراه بود که منجر به سقوط و زوال آن‌ها نیز شد. انحصار امور نظامی در دست اعراب، امتیازات بسیار زیاد نظامیان و پایبندی نظامیان به منافع قبیله‌ای و گروهی به‌جای منافع حکومتی بود که همراه دیگر عواملی که ذکر شد منجر به سقوط دولت بنی‌امیه گردید.

منابع

- ابراهیم حسن، حسن (1380) تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات جاویدان.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکریم (1385 ق/ 1965 م) الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر- دار بیروت.
- ابن اعثم الکوفی، ابو محمد احمد (1394 ق/ 1974 م) الفتوح، هند، حیدرآباد دکن، مطبعه دایرةالمعارف العثمانیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (1375 ش) مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن کثیر، عمادالدین ابوالفدا اسماعیل، (1966) البدایه و النهایه فی التاریخ، بیروت: دارالفکر.
- بستانی، پطروس (1987 م) المعارک العرب فی الشرق و الغرب، لبنان، دار مارون عبود.
- بلاذری، أحمد بن یحیی (1337 ش) فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران، نشر نقره.
- بورلو، ژوزف (1386) تمدن اسلامی، ترجمه سیداسدالله علوی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- خطیب، عبدالله مهدی (1378) الحکم الاموی فی خراسان، ترجمه محمود رضا افتخارزاده، تهران: رسالت قلم.
- خوری حتی، فیلیپ (1380) تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، چاپ آگاه با همکاری شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- خوری حتی، فیلیپ (1382) شرق نزدیک در تاریخ، مترجم قمر آریان (زرین کوب)، علمی فرهنگی.
- زیدان، جرجی (1372) تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.
- سپهری، محمد (1389) تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- سیوطی، جلال‌الدین ابوالفضل عبدالرحمان بن ابی بکر (بی تا) تاریخ الخلفاء، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید.
- طبری، محمد بن جریر (1966) تاریخ الرسل و الملوک، داراحیاء التراث العربی، بیروت: طبعه دارالمعارف.
- قائدان، اصغر (1382) بسیج و تأمین نیرو در عصر اسلامی، مجله فصلنامه مطالعات بسیج، سال سوم، شماره 18-19.

- قائدان، اصغر؛ آیینہ وند، صادق (بهار 1381) نقش سه عنصر عرب، ایرانی و ترک در سپاه عصر اموی و عباسی، مجله علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز، شماره 34.
- مسعودی، علی بن حسین (1346) مروج الذهب و معادن الجواهر، مصر: مطبعه البهیه المصریه.
- میر احمدی، مریم (1368) نظام حکومت ایران در دوره اسلامی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- میکِل، آندرِه (1381) اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، تهران، سمت.
- هاوتینگ، جِراَلد (1388) امویان نخستین دودمان حکومت گر در اسلام، ترجمه عیسی عبدی، تهران، امیرکبیر.
- هندی، احسان (2004) الاسلحه و آلات القتال عند العرب و المسلمین، دمشق، مرکز الدراره العسکریه.
- The Encyclopedia of Military History (1970). Dupuy, Ernest and teror dupuy, London: Macdonald.